

## الگوی بسیج منابع در جنگ‌های منجر به تشکیل حکومت صفوی

ابوالفضل فتح‌آبادی؛\* حسن سرایی؛\*\* شهرام پازوکی؛\*\*\* علی جنادله\*\*\*\*

### چکیده:

در فرایند تشکیل حکومت صفویه، طریقتی صوفیانه و معنوی با تکیه بر قدرت مریدان خویش نقشی سیاسی و دنیوی ایفا کرده است. حال، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که شاه اسماعیل - در مقام مرشد کامل طریقت صفوی - بر چه اساس و طی چه فرایندی توانسته مریدان تحت امر خود در قبایل مختلف را برای جنگ در مقابل سایر مدعیان قدرت بسیج کند، بر آن‌ها پیروز شود و به سوی تشکیل حکومت حرکت نماید؟ بنابراین، پژوهش پیش رو با کاربرد تئوری‌های سیاسی ابن‌خلدون درباره تشکیل حکومت‌ها و با رویکردی توصیفی - تحلیلی در صدد پاسخگویی به این پرسش برآمده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که شاه اسماعیل با بهره‌گیری از ولایت صوفیانه، موجبات هم‌نشینی سه عامل پیوند قبیله‌ای درون هر یک از قبایل، پیوند دینی درون هر یک از قبایل و پیوند دینی میان همه قبایل را فراهم آورده و بر همین اساس، توانسته میان قبایل مختلف تحت امر خود اتحاد و انسجام ایجاد کند و به بسیج منابع جهت نبرد بر ضد سایر مدعیان قدرت بپردازد و با استفاده از قدرت مضاعف این قبایل که

\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.

Abolfazl.Fathabadi@yahoo.com

\*\* نویسنده مسئول: استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی. Hsaraie@yahoo.com

\*\*\* استاد موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران. hpazouki@hotmail.comS

\*\*\*\* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی Ajanadleh@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۹ | DOI:10.29252/HSOW.4.4.23

حاصل هم‌نشینی پیوندهای قومی و پیوندهای دینی بوده است، در نهایت با پیروزی بر دشمنان خود موفق به تشکیل حکومت مرکزی قدرتمند دیرپای صفوی شود.  
**کلیدواژه‌ها:** شاه اسماعیل صفوی، ولایت صوفیانه، بسیج منابع، جنگ، تشکیل حکومت.

### مقدمه

حرکت شاه اسماعیل صفوی در مقام مرشد کامل سلسله طریقت صفوی به سوی تشکیل سلسله پادشاهی صفوی، لاقلاً به دو دلیل عمده در تاریخ ایران پس از اسلام از اهمیت بالایی برخوردار است. با برآمدن صفویان، ایران وحدت سیاسی یافت و تشیع دوازده امامی مذهب رسمی کشور شد که هر دو رویداد برجسته مزبور، کماکان در سرزمین و جامعه ایران پایدار مانده‌اند. علاوه بر این دو مورد، با اقدامات شاه اسماعیل در فرایند منجر به تشکیل حکومت، برای اولین بار - و آخرین بار تاکنون - در تاریخ ایران پس از اسلام، طریقتی صوفیانه توانست با بهره‌گیری از قدرت قبایل مرید و پیرو خویش، در قالب یک جریان نیرومند اجتماعی - سیاسی ظهور کند و موفق به تشکیل حکومتی فراگیر و طولانی‌مدت شود. باین وجود و با توجه به پژوهش‌های بی‌شماری که در مورد حکومت صفوی توسط اندیشمندان ایرانی و غیرایرانی انجام گرفته، الگویی دقیق و مبتنی بر واقعیات تاریخی از نحوه بسیج منابع<sup>۱</sup> توسط شاه اسماعیل در فرایند تشکیل حکومت ارائه نشده یا آن‌چنان که ملاحظه نظر پژوهش حاضر می‌باشد، مورد توجه قرار نگرفته است. در این زمینه، آراء اندیشمندانی که به نوعی به نحوه بسیج منابع در مسیر تشکیل این حکومت پرداخته‌اند را در قالب سه گروه عمده می‌توان تقسیم‌بندی کرد:  
الف. اندیشمندانی که بر اساس الگوی بسیج منابع در تشکیل اکثر حکومت‌های پیشاصفوی در ایران پس از اسلام، عمدتاً بر نقش و تأثیر عصبیت قبیله‌ای اقوام و ایلات شبانکاره ترک‌زبان در تشکیل این حکومت تأکید می‌کنند.  
ب. اندیشمندانی که الگوی بسیج منابع در تشکیل حکومت صفوی را به مثابه تفاوت و گسستی نسبت به حکومت‌های پیش از آن در ایران پس از اسلام می‌دانند و در نتیجه، عمدتاً بر تأثیرگذاری و نقش‌آفرینی عصبیت دینی - مشخصاً پیوندهای مبتنی بر تصوف به مثابه طریقت دینی اسلام - در تشکیل این حکومت توجه دارند.

---

<sup>۱</sup>. mobilization of resources

ج. اندیشمندانی که بر نقش عصبیت قبیله‌ای اقوام و ایلات شبانکاره ترک‌زبان در تشکیل حکومت صفوی تأکید می‌کنند ولی به این واقعیت نیز توجه دارند که قدرت این قبایل، در اختیار مرشد کامل طریقت صوفیانه صفوی و در خدمت تحقق اهداف او قرار گرفته و بر همین اساس، در کنار نقش عصبیت قبیله‌ای به نقش عصبیت دینی نیز در بسیج منابع منجر به تشکیل این حکومت اشاره می‌کنند. بر این اساس، آراء آنها را در این زمینه می‌توان از دو گروه پیش‌گفته که به نظر، دیدگاهی تک‌عَلّی به تشکیل حکومت صفوی دارند، کامل‌تر دانست ولی با این حال، اندیشمندان گروه سوم نیز فرایند بسیج منابع در تشکیل حکومت صفوی را مورد بررسی دقیق و منطبق با واقعیات تاریخی قرار نداده‌اند. در واقع، تاکنون پژوهش مستقلی در مورد تبیین تشکیل حکومت صفوی و فرایند بسیج منابع در آن با استفاده از آراء سیاسی ابن‌خلدون درباره تشکیل حکومت‌ها انجام نشده است و به همین دلیل، نوشتار حاضر به دنبال انجام این کار و رفع این کمبود است. آراء مزبور بدین دلیل انتخاب شده‌اند که امکان بررسی هم‌نشینی<sup>۱</sup> عصبیت قبیله‌ای و عصبیت دینی در کنار نقش‌آفرینی سایر عوامل محتمل مؤثر در بسیج منابع، منجر به تشکیل حکومت‌ها - و از جمله حکومت صفوی - را برای پژوهشگر فراهم می‌کند. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش حاضر را به شرح ذیل می‌توان مطرح کرد:

شاه اسماعیل صفوی در مقام مرشد کامل طریقت صفوی، بر چه اساس و طی چه فرایندی توانسته قبایل تحت امر خود را بسیج، متحد و منسجم کند و با غلبه جنگی بر سایر مدعیان دستیابی به قدرت و تشکیل حکومت موفق به بنیان‌گذاری حکومت صفوی شود؟

### روش پژوهش

پژوهش تاریخی در یک معنای وسیع، پژوهشی است که از طریق آن می‌توان حوادثی که در گذشته رخ داده را مورد مطالعه قرار داد (ساعی، ۱۳۸۶: ۱۳۴)، بنابراین، نوشتار حاضر را می‌توان پژوهشی تاریخی دانست که به نحوه و فرایند بسیج منابع در تشکیل حکومت توسط شاه اسماعیل صفوی می‌پردازد. روش تحقیق نیز در پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی است و جمع‌آوری اطلاعات با روش کتابخانه‌ای صورت گرفته

---

<sup>۱</sup>. affinity

است. ابزار اصلی پژوهش، استناد به منابع اصلی تاریخی شامل گزارش‌ها، دست‌نوشته‌ها، کتب، رساله‌ها، زندگی‌نامه‌ها و... در دو بخش منابع دست‌اول: نوشته‌شاهدان عینی رویدادها و منابع دست‌دوم: توصیف یا تفسیر بخشی از رویدادهای گذشته مرتبط با شکل‌گیری حکومت صفوی بوده است. درنهایت، بر اساس آراء ابن‌خلدون درباره تشکیل حکومت‌ها و بر پایه یافته‌های حاصل از منابع مزبور، فرایند تشکیل حکومت صفوی مورد مطالعه، تحلیل و تبیین قرار گرفته و از رهگذر آن، تلاش شده تا الگوی کلی بسیج منابع توسط شاه اسماعیل در نبردهای منجر به تشکیل این حکومت ارائه شود.

### پیشینه و مبانی نظری

همان‌طوری که پیش‌تر به شکلی مختصر بیان شد، آراء اندیشمندانی که به‌نوعی، نحوه بسیج منابع در تشکیل حکومت صفوی را مورد بررسی قرار داده‌اند، ذیل سه گروه عمده می‌توان ارائه کرد:

#### ۱. تأکید بر نقش عصبیت قبیله‌ای در تشکیل حکومت صفوی

تأکید بر قدرت محصول عصبیت قبیله‌ای در تشکیل حکومت صفوی تا بدان جاست که پژوهشگرانی چند، حکومت مزبور را تداوم حاکمیت سنت‌های قبایل ترک در ایران می‌دانند. یکی از اولین کسانی که تشکیل حکومت صفوی را به اقدامات قبایل ترک آناتولی و شام و قدرت حاصل از عصبیت قبیله‌ای آن‌ها مرتبط دانسته مینورسکی است. وی تا آنجا پیش می‌رود که تشکیل این حکومت را سومین هجوم ترکان به ایران قلمداد می‌کند (مینورسکی، ۱۳۷۰: ۱۷۴). نویسندگان مارکسیست شوروی نیز باورهایی مشابه دارند. مثلاً پطروشفسکی معتقد است که رهبری نهضت صفوی با بزرگان لشکری قبایل صحرانشین و ترک‌زبان قزلباش بوده است (پیگولوسکایا و دیگران، ۱۳۵۴: ۳۹۲). سومر نیز معتقد است که حکومت صفوی از نظر دیدگاه و تکیه‌گاه اولیه و نیز فرهنگ و تشکیلات نظامی، با حکومت‌های ترک قبلی ایران تفاوت اساسی نداشته و حتی در بعضی موارد، نسبت به آن‌ها ویژگی‌های ترکی بیشتری نیز در خود داشته است (سومر، ۱۳۷۱: ۱۱). طباطبایی هم به شکلی مشابه، ضمن تأیید پراهمیتی نقش قبایل ترک آناتولی و عصبیت قبیله‌ای آن‌ها در تشکیل حکومت صفوی، معتقد است که حکومت

مزبور به لحاظ ساختار سیاسی و اجتماعی نسبت به سده‌های پیش و دوره چیرگی ترکان تفاوتی نداشته است (طباطبایی، ۱۳۸۱: ۱۳). چنین تبیین‌هایی که صرفاً، قدرت حاصل از عصبيت قبیله‌ای قبایل ترک‌زبان را از ارکان اصلی تشکیل حکومت صفوی محسوب می‌کنند (مشفق‌فر، ۱۳۹۸: ۶)، تا حد زیادی مبتنی بر این واقعیت تاریخ سیاسی ایران پس از اسلام هستند که اکثر سلسله‌های حاکم پیش از تشکیل حکومت صفوی، معمولاً از طریق غلبه جنگی مبتنی بر قدرت محصول عصبيت قبیله‌ای قوم خود و اقوام متحدشان و بدون هرگونه ادعای فرهنگی یا دینی قدرت را در اختیار می‌گرفتند. این امر خصوصاً از روزگار سلجوقیان به بعد آشکارتر است و تقریباً همه سلسله‌هایی که در ایران به قدرت رسیده‌اند، خاستگاه قبایلی داشته و با تکیه بر عصبيت قبیله‌ای و قدرت حاصل از آن حکومت خود را تشکیل داده‌اند (صفت‌گل، ۱۳۸۹: ۷۲؛ امیرخسروی، ۱۳۹۷: ۲۵۸). همین امر موجب شده تا اندیشمندان پیش‌گفته، عامل اصلی در بسیج منابع منجر به تشکیل حکومت صفوی را مشابه حکومت‌های پیش از آن، عصبيت قبیله‌ای و پیوندهای خویشاوندی میان یک قوم یا میان یک قوم با اقوام دیگر در نظر بگیرند.

## ۲. تأکید بر نقش عصبيت دینی در تشکیل حکومت صفوی

با وجود واقعیات تاریخی و آراء اندیشمندان فوق، اندیشمندانی نیز هستند که کل تاریخ ایران پس از اسلام را به شکلی پیوسته در نظر نمی‌گیرند و تشکیل حکومت صفوی را به‌مثابه گسستی در زمینه تشکیل حکومت و متفاوت از تشکیل سلسله‌های حاکم پیش از آن در نظر گرفته و بنابراین، نه‌تنها نیروی حکومت‌ساز صفویه را قدرت حاصل از عصبيت قومی قبایل متحد ترک‌زبان قزلباش نمی‌دانند (سیوری، ۱۳۹۴: ۱۲۸)، بلکه معتقدند که صفویان با استفاده از نیروی پویای یک اندیشه خاص به قدرت دست یافتند و قدرت‌یابی آن‌ها در ایران، حاصل سال‌ها «تدارک صبورانه ایدئولوژیک» این تشکیلات طریقتی (سیوری، ۱۳۹۶: ۱۷-۱۵) یا به‌بیان دیگر، حاصل دو سده تبلیغ دقیق و تمام‌عیار تصوف صفوی (سیوری، ۱۳۹۴: ۱۴۰) بوده است. آنان معتقدند که مهم‌ترین نیروی روحی که بی‌گمان می‌بایست هنگام مطالعه مقدمات ظهور صفویه مد نظر قرار گیرد، همانا تصوف و آموزه‌های مبتنی بر آن می‌باشد (لویزن، ۱۳۹۶: ۱۴۹؛ سیوری، ۱۳۹۴: ۱۴۷). مثلاً هینتس معتقد است که تشکیل حکومت صفوی محصول اقدامات

جماعتی صوفی است که بر اساس عقاید مذهبی و صوفیانه متشکل و بسیج شده بودند، یعنی شیوخی که در طی چند قرن مریدانی گردآوردند که از آن‌ها تبعیت کنند و همین رابطه مرید و مرادی بود که خصوصاً از زمان جنید - جد شاه اسماعیل - به بعد، نهضتی از درویشان پدید آورد و سرانجام به پایه‌گذاری حکومت صفوی توسط شاه اسماعیل انجامید (هیئتس، ۱۳۶۲: ۱). همچنین، کدی بر این باور است که ایده‌های صوفیانه که مبتنی بر شور ایمان بودند، زمینه‌ساز قیام پرشور صفویان در مسیر کسب قدرت بوده است (کدی، ۱۳۹۰: ۳۱). شیعی نیز حرکت سیاسی شاه اسماعیل صفوی را قیامی با جوهر صوفیانه و حکومت صفوی را حکومتی صوفی - شیعی می‌داند (شیعی، ۱۳۹۶: ۳۸۷). همه این آراء به معنای توجه به نقش باورها و پیوندهای دینی و صوفیانه در تشکیل حکومت مزبور نزد این اندیشمندان است و درعین حال نشان‌دهنده تأکید آن‌ها بر عصیت دینی و پیوندهای صوفیانه میان یک قوم یا میان یک قوم با اقوام دیگر، به‌مثابه عامل اصلی در بسیج منابع منجر به تشکیل حکومت صفوی می‌باشد.

### ۳. توجه به نقش توأمان عصیت قبیله‌ای و عصیت دینی در تشکیل حکومت صفوی

در تبیین تشکیل حکومت صفوی نزد برخی اندیشمندان نیز، نگرشی مبنی بر تلفیق دو نظرگاه پیش‌گفته دیده می‌شود. مثلاً آقاجری معتقد است که از عناصر تشکیل‌دهنده اولیه حکومت مرکزی فراگیر و پایدار صفوی، ترکان قزلباش بوده‌اند، همان نیرویی که در اختیار مرشد کامل و در مسیر نبرد با دشمنان و تصرف قدرت قرار گرفته است (آقاجری، ۱۳۸۰: ۱۳). یعنی وی در کنار نقش قدرت محصول پیوندهای قبایلی به نقش دین و قدرت محصول پیوندهای دینی نیز در این زمینه توجه دارد، خصوصاً اینکه در جای دیگری که شاه اسماعیل را هم رئیس نهاد سیاسی و حکومت و هم مرشد کامل و رهبر دینی قلمداد می‌کند، بر این است که او به بهترین وجهی از توان و پتانسیل اندیشه‌های صوفیانه در جامعه ایران آن روزگار بهره‌برداری و حکومت متمرکز و قدرتمندی را ایجاد کرده است (آقاجری، ۱۳۹۵: ۶۳). صفت‌گل نیز بر این است که نیروهای نقش‌آفرین در روی کار آمدن حکومت صفوی از یک‌سو ریشه‌های قبایلی داشتند ولی از دیگر سو، ذیل چتر معنوی طریقت صفوی قرار داشتند و مرید شیوخ این طریقت صوفیانه بودند (صفت‌گل، ۱۳۸۹: ۱۰). به‌بیان‌دیگر، بنیان‌گذاران دودمان پادشاهی صفوی، صوفیانی بودند که با سازماندهی قبایلی چند از پیروان و مریدان

خویش، به یک نیروی سیاسی تبدیل شدند و سرانجام، توانستند تا قدرت حکومتی را در دست بگیرند (پولادی، ۱۳۹۸: ۱۳۴). به شکلی مشابه، برخی صاحب‌نظران نیز معتقدند که شکل‌گیری حکومت صفوی، محصول تلاقی نیروی ایدئولوژیک طریقت صفوی و نیروی نظامی ایلات و قبایل بوده است (جنادله، ۱۳۹۶: ۴۱-۴۰). مطالب گفته‌شده نشان می‌دهند که نزد این اندیشمندان، هر دو عامل پیوند قبیله‌ای و پیوند دینی و صوفیانه در تشکیل حکومت صفوی - و درعین‌حال در بسیج منابع منجر به تشکیل این حکومت - دارای نقش و تأثیر بوده‌اند. با این وجود، الگویی از نحوه و فرایند هم‌نشینی عوامل مزبور در این نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری از سوی ایشان ارائه نشده است. این در حالی است که انجام این کار بر اساس آراء سیاسی ابن‌خلدون که امکان بررسی هم‌نشینی عصیبت قبیله‌ای و عصیبت دینی در تشکیل حکومت‌ها را میسر می‌کند، به شکلی دقیق قابل انجام است. لذا در ادامه مطالب، به مرور و ارائه دیدگاه ابن‌خلدون در این زمینه پرداخته می‌شود.

### امکان نظری هم‌نشینی فرایندی عصیبت قبیله‌ای و عصیبت دینی در تشکیل حکومت

ابن‌خلدون در تبیین تشکیل حکومت‌ها توجه ویژه‌ای به نقش قبایل داشته و عصیبت حاصل از پیوندهای قبیله‌ای را اولین و مهم‌ترین عامل برتری یک قوم بر اقوام دیگر و عاملی حکومت‌ساز می‌داند و معتقد است که بسیاری از حکومت‌ها را قبایلی بنیان نهاده‌اند که نسبت به سایرین از عصیبت قوی‌تری برخوردار بوده‌اند (ابن‌خلدون، ۱۳۹۳: ۳۱۷). به بیان جامعه‌شناختی، عصیبت قبیله‌ای از نظر وی پیوندی اجتماعی و مبتنی بر روابط خویشاوندی است که وحدتی بین افراد قوم و قبیله پدید می‌آورد و نیرویی جهت ایجاد تحولات اجتماعی - سیاسی در اختیارشان قرار می‌دهد. ابن‌خلدون تأکید می‌کند که حکومت تنها از یک گروه تشکیل می‌شود که عصیبت و نتیجتاً، قدرت بیشتری دارد و بر عصیبت‌های دیگر غلبه می‌کند و پس از استیلا، همه آن‌ها را یکسره به خود ملحق می‌سازد و تشکیل حکومت می‌دهد (ابن‌خلدون، ۱۳۹۳: ۳۱۷). این تأکید ابن‌خلدون بر عصیبت حاصل از پیوندهای قبایلی در تشکیل حکومت (ابن‌خلدون، ۱۳۹۳: ۲۹۴)، درعین‌حال، تأکید بر نقش قدرت حاصل از عصیبت و نسبت آن با صاحب قدرت در تشکیل حکومت نیز هست (قادری، ۱۳۸۵: ۱۹۲-۱۹۱) چراکه وجود

چنین قدرتی، همیشه با مخالفت گروه‌های دیگر جامعه روبرو می‌شود و اگر حکومت بخواهد تداوم یابد، باید با تمام قدرت به سرکوبی مخالفان بپردازد و همین ضرورت، کیفیت و ویژگی خاصی به حکومت می‌دهد که به یکی از شاخص‌های آن تبدیل خواهد شد (تنهایی، ۱۳۹۶: ۲۳۲). باین‌حال، بایستی توجه داشت که عصبیت قومی در آراء ابن‌خلدون، تنها یکی از عوامل ایجادکننده قدرت برای اقوام و قبایل است (احمدی، ۱۳۸۹: ۸۶). درواقع، ابن‌خلدون علاوه بر قدرت حاصل از عصبیت قبیله‌ای (ابن‌خلدون، ۱۳۹۳: ۳۱۷)، نیروی حاصل از عصبیت دینی (ابن‌خلدون، ۱۳۹۳: ۳۰۲) را نیز در تشکیل حکومت‌ها دارای نقش و جایگاه می‌داند.<sup>۱</sup> یعنی دین نیز عامل تقویت‌کننده عصبیت و قدرت یک قوم در دستیابی به حکومت و نیرویی اجتماعی است که علاوه بر کارکردهایی نظیر کاهش اختلاف، افزایش همکاری و ایجاد وحدت کلمه، قادر به ایجاد تغییرات اجتماعی و سیاسی نیز می‌باشد. البته وی اساس دعوت دینی را نیز متکی به عصبیت قومی دانسته (ابن‌خلدون، ۱۳۹۳: ۳۰۴) که به معنای تقدم این نوع از عصبیت نزد اوست؛ یعنی پیوند دینی و نیروی آن، متأخر از عصبیت محصول پیوند خویشاوندی و نیروی آن است و بدان افزوده می‌شود.

بر اساس تأکید ابن‌خلدون بر هم‌نشینی عصبیت قومی و عصبیت دینی در فرایند تشکیل حکومت‌ها و توجه و تأکید برخی اندیشمندان به نقش و تأثیر پیوندها و باورهای مبتنی بر تصوف - طریقت معنوی دین اسلام - در شکل‌گیری حکومت صفوی در ایران، ارائه توضیحاتی مختصر درباره تصوف ضروری به نظر می‌رسد.

### تصوف

تصوف راهی برای رسیدن به کمال معنوی و معرفت است و جنبه درونی و حقیقت باطنی وحی اسلام به شمار می‌رود (نصر، ۱۳۸۶: ۹۹) که می‌توان آن را تخلُّق آدمی به اخلاق الهی، و هدف بعثت انبیاء و اولیاء را رساندن مردم به چنین کمالاتی دانست (آملی، ۱۳۹۵: ۵۳). همچنین، تصوف در مفهومی گسترده به معنای درون‌گرایی و یا باطنی‌کردن و تشدید ایمان و عمل اسلامی (چیتیک، ۱۳۸۹: ۶۱)، مکتبی است که برای

---

<sup>۱</sup> ابن‌خلدون مساحت سرزمینی و شمار جمعیت را نیز به‌عنوان عواملی نام می‌برد که می‌توانند در تغییرات اجتماعی - سیاسی مؤثر باشند (ابن‌خلدون، ۱۳۹۳: ۳۱۱ و ۳۰۹) که البته، پس از برتری یک قوم و تشکیل حکومت توسط آنان موضوعیت می‌یابند، لذا موضوع نوشتار حاضر نیستند.



قرون متمادی در جوامع اسلامی نفوذ داشته و در بستر سنت اسلامی و در بطن روابط پویای اجتماعی و سیاسی - و نه در انزوا و خلوت‌گزینی - رشدونمو یافته است (Green, 2002: 5). در تصوف بیش از هر چیز به طریق سلوک الی‌الله با رعایت دستورات اسلامی و آداب معنوی آن، جهت کسب معرفت تأکید شده است (پازوکی ۱۳۹۳: ۲). در نظر صوفیه و سالکان طریقت<sup>۱</sup>، نخستین و کامل‌ترین عارف، رسول اکرم(ص) و پس از ایشان، حضرت علی(ع) است که عالی‌ترین نماینده باطن اسلام بوده است. لذا صوفیه آداب و اعمال خود را بر پایه گفتار و رفتار ایشان بنا نهاده و تا روزگار حاضر از آن تبعیت می‌کنند و پیوسته خود را پیرو صدیق تعلیمات ایشان می‌دانند (نصر، ۱۳۸۶: ۱۰۰) و در هر لحظه از زندگی نهایت تلاش‌شان بر این است تا گام جز بر جای گام رسول نهند، چراکه سایر راه‌ها را بسته می‌دانند (قشیری، ۱۹۴۰: ۲۰). بنابراین، از شروط و اهداف اساسی تصوف، یکی این است که مریدان و سالکان طریقت، گام بر جای گام رسول اکرم(ص) نهند که پس از رحلت ایشان و ائمه اثنی‌عشر(ع)، به واسطه پیروی و متابعت از پیران و مرشدان طریقت حاصل می‌شود و رابطه‌ای را شکل می‌دهد که مبتنی بر «ولایت مرشد بر مریدان» یا «ارادت مریدان به مرشد» است. بر همین اساس و از آنجاکه اساس تصوف، همانا مسئله ولایت است (تابنده، ۱۳۸۳: ۱۰)، مفهوم ولایت صوفیانه در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ولایت صوفیانه

سنگ زیرین ارتباط ولیّ مرشد با مریدان خود در بستر تصوف، محبتی معنوی است که بر مبنای آن، مریدان خود را محتاج و مشتاق چیزی می‌یابند که در مرشد می‌بینند. این اصل که مرید رهرو، بدون مرشد معنوی نمی‌تواند راه سلوک به سوی خداوند را طی کند، از اصول عرفانی همه ادیان است. در تصوف نیز یکی از لوازم اصلی سلوک را وجوب ولیّ مرشد دانسته و شرایطی را برای مرشد و مرید و آداب روابطشان ذکر کرده‌اند و معمولاً به داستان موسی(ع) و خضر(ع) در سوره کهف اشاره می‌کنند که خضر(ع)، شرط قبول همراهی موسی(ع) با خود را تسلیم و متابعت کامل او از خود بیان می‌کند. علاوه بر ارادت موسی(ع) به خضر(ع)، مثال دیگر این امر در تاریخ

---

<sup>۱</sup>. صوفی کسی است که مراتب سلوک را پیموده و به منزل (Supreme Identity) رسیده است. لذا سالک طریقت را نه صوفی، بلکه فقیر، درویش، سالک، راهرو و... می‌گویند.

تصوف را می‌توان در ارادت مولوی به شمس دید، چنان‌که مولوی در وجود شمس تبریزی انسان کامل، ولیّ واصل و ظهور نور الهی را کشف و مشاهده کرد (زرین‌کوب، ۱۳۸۸: ۱۱۶) و تابع و مرید او شد. از این مطالب چنین استفاده می‌شود که مرید باید در ظاهر و باطن تسلیم ولایت مرشد خود بوده و تصرفات خود را از خود محو کرده و چون مرده در تحت تصرف غسال باشد. همچنین در هر کاری التجا به ولایت شیخ و مرشد خود کند، خواه شیخ در حضور و خواه در غیبت باشد. نهایتاً نیز چه در ظاهر و چه در باطن، بر افعال و احوال شیخ اعتراض نکند (گنابادی، ۱۳۸۴: ۲۸۴). در واقع، مرید کسی است که او را اراده نباشد و تا کسی از اراده خود عاری نشود، مرید نباشد. مرید کسی است که از اراده خود مجرد شده و از ماسوی‌الله بریده باشد. مرید صادق، روحانیت شیخ را در همه احوال حاضر داند و در راه باطن از وی استمداد کند (سجادی، ۱۳۷۸: ۷۱۸). علاوه بر این و بر مبنای گفته بزرگان تصوف، می‌بایست جمیع حرکات، سکنت، افعال و اقوال مرید، تابع و منوط به امرونهی ولیّ مرشد باشد که در غیر این صورت، از پیوند ولایت بیرون رفته است (گنابادی، ۱۳۸۴: ۲۷۴)، ولایتی که بالاترین رکن تصوف است (هجویری، ۱۳۶۶، ۲۶۵).

### **بسیج منابع بر مبنای ولایت صوفیانه در قرون هشتم تا دهم ه.ق در ایران**

با اینکه روابط میان مرشدان و مریدان ایشان در طرائق صوفیه بیشتر به‌منظور تربیت عرفانی سالکان در مسیر کسب معرفت الهی شکل می‌گیرد و معنا می‌یابد، بهره‌گیری از روابط مرید و مرادی در قیام‌های صوفیانه قرون هشتم تا دهم ه.ق در ایران نظیر سرداران خراسان، مرعشیان مازندران، آل‌کیای گیلان و مشعشعیان خوزستان نیز مشاهده می‌شود که در آنها، پیران و مرشدانی صوفی با بسیج منابع و با تکیه بر نیروی مریدان جان‌برکف خود به اعمال نظامی و سیاسی اقدام کرده و موفق به تشکیل حکومت‌هایی محلی شده‌اند. اهمیت این قیام‌های منجر به تشکیل حکومت‌های محلی از دیدگاه نوشتار حاضر در این است که آنها را لااقل در مقام محرک و الگو و زمینه‌ساز می‌توان در تشکیل حکومت مرکزی و فراگیر صفوی تأثیرگذار دانست (اشراقی و جدیدی، ۱۳۸۵: ۴۴-۴۵؛ مزای، ۱۳۸۸: ۴۱؛ شیبی، ۱۳۹۶: ۳۶۷) و الگویی مشابه، یعنی بهره‌گیری از رابطه مراد و مریدی مبتنی بر ولایت صوفیانه در بسیج منابع را در تشکیل آن موردبررسی قرارداد. مرشدان و مریدان‌شان در قیام‌های مزبور، به زبان

جامعه‌شناسی سیاسی، کنش‌هایی جمعی انجام داده‌اند که به شکل اقدام جمعی گروهی از افراد برای دستیابی به منافع مشترک شکل گرفته است (تیلی، ۱۳۹۲: ۲۰). کنش‌هایی جمعی که مصادیق‌شان جنگ و اقدامات نظامی و سیاسی است. در این معنا، جنگ پیش از هر چیز، منبع شور و هیجانی بی‌نظیر است که گروه‌های انسانی را از زندگی روزمره‌شان جدا می‌کند و در فضای مادی و روانی غیرمتعارفی قرار می‌دهد. تغییر طرز تفکر، نخستین و جالب‌ترین تغییری است که در زمان جنگ رخ می‌دهد. در نتیجه این تحول، قیود اجتماعی دگرگون می‌شوند، مقدس و نامقدس تغییر می‌کنند و حدودشان به سرعت دستخوش دگرگونی می‌شود. در واقع، جنگ به محض اعلان، افراد درگیر را به جهان اخلاقی نوینی وارد می‌کند (بوتول، ۱۳۹۶: ۶۰-۵۸)، درست همان‌طوری که در قیام‌های پیش‌گفته، مریدان و پیروان مرشدانی صوفی از خانقاه به میدان جنگ آمده، کَشکول و خرقة را کنار گذاشته، شمشیر به دست گرفته و برای جنگ با مدعیان قدرت بسیج شده‌اند. بسیج این مریدان توسط مرشدان صوفی، فرایندی بوده که طی آن، گروهی اجتماعی منابع لازم برای کنش جمعی خود را فراهم کرده‌اند؛ منابعی شامل نیروی انسانی، کالا، تسلیحات یا هر چیز دیگری که در جهت منافع بسیج‌گران قرار دارد (تیلی، ۱۳۹۲: ۸۴-۸۳).

بر اساس این مطالب، فرایند بسیج منابع در تشکیل حکومت صفوی توسط شاه اسماعیل در بخش بعدی مورد مطالعه قرار می‌گیرد تا امکان بهره‌گیری او از روابط مرید و مرادی بر مبنای آموزه ولایت صوفیانه در این مسیر بررسی شود.

### شاه اسماعیل صفوی و بسیج منابع در نبرد با مدعیان قدرت در مسیر تشکیل حکومت

اسماعیل میرزا روز ۲۵ رجب ۸۹۲/۱۷ جولای ۱۴۸۷ متولد شد (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۳۲) و هنگامی که فقط یک سال داشت، پدرش شیخ حیدر را در جنگ بر ضد فرخ یسار شروانشاه از دست داد (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۴۳۴) و به دستور یعقوب‌بیک، حاکم آذربایجان، به همراه مادر و برادرانش در قلعه استخر فارس زندانی شد (عالم‌آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۳۳) و پس از تقریباً چهار و نیم سال حبس، به دستور رستم‌بیک، حاکم وقت آذربایجان، آزاد شد. وی پس از مدتی اقامت در تبریز، همراه مادر و برادرانش به اردبیل رفت ولی نفوذ فزاینده خاندانش در میان اهل طریق، سوءظن رستم‌بیک را

برانگیخت و موجب شد تا آن‌ها را به اردوگاه خود منتقل سازد. آن‌ها موفق به فرار از اردوگاه شدند ولی در نزدیکی اردبیل به دست قشون پنج‌هزار نفری ارسالی رستم‌بیک گرفتار آمدند. در همین حین سلطان‌علی - برادر بزرگ‌تر اسماعیل و مرشد وقت طریقت صفوی - بر اساس رویه مرسوم تعیین جانشین در طرائق صوفیه، اسماعیل را به جانشینی خود در طریقت انتخاب کرد و با قشون رستم‌بیک وارد جنگ شد و در حین نبرد جان باخت، اما مادر و برادرانش به سلامتی به اردبیل رسیدند و در خانقاه شیخ صفی‌الدین مخفی شدند و از بیم سپاهیان رستم‌بیک و علی‌بیک چاکرلو که از طرف او به حکمرانی اردبیل گماشته شده بود، بارها محل اختفای خود را تغییر دادند. شیخ اسماعیل در مقام مرشد کامل وقت طریقت صفوی نهایتاً پس از تعقیب و گریزهای فراوان، با مشورت با اهل اختصاص، در سال ۸۹۸ ه.ق به رشت و سپس به دعوت کارکیا میرزاعلی - یازدهمین حاکم حکومت محلی آل‌کیا که در سال ۷۷۲ / ۱۳۷۰ تشکیل شده بود - به لاهیجان رفت و تحت حمایت این حکومت قرار گرفت (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۴۴۱-۴۳۹). پایداری کارکیا میرزاعلی در حفظ جان و خدمت به شیخ اسماعیل، ریشه در ارادت و اعتقاد او به خاندان صفوی داشت، چنان‌که مؤلف عالم‌آرای صفوی وی را از مریدان شیخ صفی‌الدین معرفی می‌کند (عالم‌آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۳۹) و مورخ دیگری، وی را یکی از حیدری‌های معروف و کمر بسته طریقت صفوی (اسپیناچی پاشازاده، ۱۳۰۷: ۴۰) می‌داند. لازم به توضیح است که بر اساس انتقال مقام ولایت از مرشد قبلی به مرشد وقت در طریقت‌های صوفیانه و ارادت مریدان به مرشد وقت چونان مرشد قبلی، کارکیا میرزاعلی را به احتمال فراوان می‌توان از مریدان شیخ اسماعیل - در مقام مرشد وقت طریقت صفوی - دانست، چون در هر زمان باید با قطب وقت بیعت یا تجدید عهد کرد (تابنده، ۱۳۹۰: ۷۴).

در مدت اقامت شیخ اسماعیل در لاهیجان که بیش از شش سال طول کشید، پیروانش در عثمانی، آسیای صغیر، شام، دیاربکر، قره‌داغ و اهر برای پیشوا و مرشد طریقت خود هدایایی می‌فرستادند و حتی پنهانی به دیدار او می‌رفتند ولی پس از اقامتی کوتاه یا حتی بدون تأخیر به دیار خود بازمی‌گشتند (هیئتس، ۱۳۶۲: ۱۲۴). احتمالاً به دلیل همین ملاقات‌ها بود که جاسوسان رستم‌بیک آق‌قویونلو، او را از محل اختفای شیخ اسماعیل در لاهیجان آگاه کردند. او نیز وقتی که از این حضور یقین حاصل کرد، سیصد مرد جنگی را برای دستگیری شیخ اسماعیل به لاهیجان فرستاد و

## الگوی بسیج منابع در جنگ‌های منجر به تشکیل حکومت صفوی | ۳۵

کارکیا میرزاعلی را تهدید کرد که در صورت مخالفت و امتناع، به لاهیجان لشکر خواهد کشید. کارکیا میرزاعلی نیز شیخ اسماعیل را در سبیدی گذاشت و از درختی آویزان کرد، سپس در مقابل مأموران رستم‌بیک سوگند یاد کرد که پای شیخ اسماعیل در هیچ نقطه‌ای از خاک قلمرو او نیست و بدین شکل بود که جان مرشد کامل صفوی را از مرگ نجات داد (روملو، ۱۳۴۹: ۹؛ عالم‌آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۴۵؛ جهانگشای خاقان، ۱۳۶۴: ۷۴).

رستم‌بیک در سال ۳-۹۰۲/۱۴۹۷ تاج‌وتخت خود را در نبردی به پسرعمویش احمدبیک باخت و کشته شد (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۴۴۲) و همین امر، آغازی بر فرایند زوال حکومت آق‌قویونلوها بود که از نظر تیزبین شیخ اسماعیل مخفی نماند. درواقع، همین کشمکش‌های خون‌بار امرای آق‌قویونلو بر سر قدرت بود که به شیخ اسماعیل فرصت تجدید قوا داده بود (سیوری، ۱۳۹۶: ۲۱)، علاوه بر این شرایط، پس از طوفان ویرانگر مغول، ایران مورد منازعه جماعتی از امرای قبایل که بعضی ریشه ترک داشتند و برخی منتسب به مغول بودند، قرار داشت (پروکلیمان، ۲۰۰۷: ۴۹۲). در این زمان، چندین حکومت ملوک‌الطوایفی به‌طور پراکنده در ایران حاکم بودند و حکومت قدرتمند مرکزی در این کشور وجود نداشت. تلاقی چنین شرایطی موجب شد تا شیخ اسماعیل در اواخر سال ۹۰۵/۱۴۹۹ هنگامی که تقریباً سیزده سال داشت، از لاهیجان خارج و به سوی کسب قدرت سیاسی حرکت کند، حرکتی که با موقعیت سیاسی زمانه متناسب بود (سومر، ۱۳۷۱: ۲۴). قتل جنید، حیدر و سلطان‌علی همچون وقایعی حماسی و وجود خود شیخ اسماعیل به‌عنوان جانشین ایشان و در مقام مرشد کامل صوفیان صفوی (نیازمند، ۱۳۸۳: ۱۳۵؛ سیوری، ۱۳۹۴: ۳۳) و عطش و اشتیاق مریدان برای جان‌فشانی در راه او (شیبی، ۱۳۹۶: ۳۸۵)، نیل به این هدف را تسریع می‌کرد. درهرحال، شیخ اسماعیل که در مدت اقامت در لاهیجان، تحت آموزش اهل اختصاص، کلیه فنون جنگی را آموخته و در شمشیرزنی، تیراندازی و نیزه‌افکنی استاد شده بود، آهنگ اردبیل کرد (خواندمیر، ۱۳۵۳، ۴۴۷). پیش از خروج اما، یکی از اهل اختصاص را نزد کارکیا میرزاعلی فرستاد تا او را از این تصمیم آگاه کند. گویند کارکیا میرزاعلی به علت نوجوان بودن شیخ اسماعیل و کمی تعداد همراهانش، به او پیشنهاد کرد تا انجام این تصمیم را مدتی به تأخیر بیندازد. شیخ اسماعیل اما در برابر پیشنهاد کارکیا میرزاعلی مبنی بر توقف بیشتر در لاهیجان و تهیه مقدمات خروج و قیام گفت که «از

عالم بالا مأمورم و در این نهضت معذورم» (نویدی شیرازی، ۱۳۶۹: ۵۷۷). نکته مهمی که در خروج شیخ اسماعیل و آغاز قیام او جلب توجه می‌کند، همراهی هفت نفر اهل اختصاص با اوست و با آنکه کارکیا میرزاعلی از ارادتمندان او و طریقت صفوی بوده و چندین سال با وجود تهدیدهای فراوان امرای آق‌قویونلو از او نگهداری و حمایت کرده بود، هیچ نیرویی را با او همراه نکرد. دلیل این تصمیم هر چه باشد، شیخ اسماعیل از این بابت با مشکلی مواجه نشد، چراکه در مسیر حرکت از لاهیجان به دیلم و سپس طارم، بسیاری از پیروان و مریدانش از روم و شام (جهانگشای خاقان، ۱۳۶۴: ۸۹؛ روملو، ۱۳۴۹: ۲۶) در هر منزل با شنیدن خبر عزیمت او به اردبیل به‌سویش می‌شتافتند؛ چنان‌که وقتی در طارم اردو زد، تعدادشان به ۱۵۰۰ نفر رسیده بود. این امر نشان می‌دهد که شیخ اسماعیل پیش از ترک لاهیجان، پیک‌هایی را به نواحی سکونت مریدان خود اعزام داشته و با مشخص نمودن مسیر حرکت، از آن‌ها خواسته بود که در راه به او بپیوندند. شیخ اسماعیل پس از عبور از چند ناحیه و توقف در آن‌ها، نهایتاً به اردبیل که رسید و مقابر نیاکان خود را زیارت و مادرش را ملاقات کرد، بر اثر تهدید علی‌بیک چاکرلو - حاکم وقت آن دیار - نتوانست در شهر اقامت گزیند؛ لذا با توجه به تعداد کم همراهان، به‌ناچار اردبیل را ترک کرد و به ناحیه ارجوان در نزدیکی آستارا رفت و زمستان را در همان جا گذراند. با فرارسیدن بهار سال ۹۰۶ ه. ق اسماعیل عزم حمله به گرجستان کرد ولی به خاطر تعداد کم همراهانش، تصمیم گرفت تا پیروانش را از طریق روانه کردن خلیفه‌ها و قاصدانی به‌سوی آن‌ها از مناطق مختلف آسیای صغیر و شام فرا بخواند. در همین فاصله برای مدت کوتاهی به اردبیل رفت و پس از دیدار مادر، عازم ارزنجان در آناتولی شد (خواندمیر، ۱۳۵۳، ۴۵۳؛ نوایی و غفاری‌فرد، ۱۳۹۴: ۶۳) تا پیروانش که پیش‌ازاین آن‌ها را از طریق قاصدان به‌سوی خویش خوانده بود، بتوانند به‌آسانی به او دسترسی داشته باشند. شیخ اسماعیل به‌راحتی وارد ناحیه ارزنجان شد که می‌تواند نشانه ازهم‌پاشیدگی جدی آق‌قویونلوها در آن زمان باشد. بایزید دوم - امپراطور وقت عثمانی - نیز در همین هنگام مشغول کشورگشایی بود و همین امر، موجب سهولت حرکت مریدان شیخ اسماعیل از سرزمین‌های عثمانی به‌سوی او می‌شد. ورود شیخ اسماعیل به این منطقه خوشحالی عمیقی را در مریدان برانگیخت تا جایی که یکی از جوانان ذوالقدر، به‌محض شنیدن دعوت او، عروسی‌اش را رها کرد و عازم ارزنجان شد (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۳۴). با ورود شیخ اسماعیل به ارزنجان، هفت

## الگوی بسیج منابع در جنگ‌های منجر به تشکیل حکومت صفوی | ۳۷

هزار مرید جان‌نثار از ایلات و طوایف شاملو، استاجلو، روملو، تکلو، ذوالقدر، افشار، قاجار و ورساق به او پیوستند (جهانگشای خاقان، ۱۳۶۴: ۵۳). سومر قبایل تحت امر شاه‌اسماعیل را به شرح ذیل برشمرده است:

الف. قبایل بزرگ: روملو، استاجلو، تکلو، شاملو و ذوالقدر،

ب. قبایل کوچک: ورساق، چینی، عربگیرلو، تورغودلو، بزجلو، اجیرلو، خنیسلو، چمیشکزکلو،

ج. بخشی از آق‌قویونلوها و قراقویونلوها، قاجارها، قرامان‌ها (قرامانلوها)، موصللو و پرناک، قزاق‌ها و... (سومر، ۱۳۷۱: ۷۰-۵۵).<sup>۱</sup>

پس از ملحق‌شدن مریدان از قبایل مختلف که همگی تحت فرمان و حاضر به هرگونه فداکاری و ازجان‌گذشتگی در راه شیخ اسماعیل بودند (سومر، ۱۳۷۱: ۱۳)، وی برای نبرد با فرخ یسار عازم شروان شد. توضیح آنکه در این زمان، سه مخالف اصلی بالقوه شیخ اسماعیل، فرخ یسار در شروان، الوندبیک در تبریز و مرادبیک در فارس بودند. انتخاب شروان جهت حمله، احتمالاً با انگیزه گرفتن انتقام خون پدر از سوی شیخ اسماعیل صورت گرفته است؛ چراکه خلیل شروانشاه که شیخ جنید را به قتل رسانده بود، خود به مرگ طبیعی از دنیا رفته بود. رستم‌بیک نیز که شیخ سلطان‌علی را به قتل رساند، پیش‌ازین در جنگ با احمدبیک به گشته شده بود. در این میان تنها فرخ یسار شروانشاه، قاتل شیخ حیدر، کماکان زنده و حاکم شروان بود. علاوه بر این، شیخ اسماعیل نیروی جنگی فرخ یسار را ضعیف‌تر از دیگران می‌دانست و یقین داشت که با پیروزی بر او و دستیابی به خزائن گران‌بهایش می‌تواند نیروهای تحت فرماندهی خود را با سلاح‌های بهتر مجهز کند؛ بنابراین، به‌سوی شماخی رفت و وارد شهر شد و چند روز بعد خبردار شد که فرخ یسار شروانشاه با سپاهیان در نزدیکی قلعه گلستان مستقر شده است، این بود که به‌سوی او حرکت کرد (قمی، ۱۳۶۳: ۵۹). فرخ یسار به محض اطلاع از این حرکت به‌سوی قلعه گلستان رفت ولی پیش از رسیدن به قلعه در نزدیکی روستای گلستان با سپاهیان شیخ اسماعیل روبرو شد. دو لشکر در پاییز ۹۰۶/

---

<sup>۱</sup>. تأکید وی بر نقش انحصاری ترکان آناتولی در تشکیل حکومت صفویه موجب عدم اشاره به ایل غیر ترک افشار شده است، درحالی‌که علاوه بر قبایل مزبور، قبیله افشار که ساکن آذربایجان جنوبی و ساحل دریاچه ارومیه بوده‌اند را نیز می‌توان نام برد.

۱۵۰۰ با یکدیگر به نبرد پرداختند که نهایتاً شیخ اسماعیل با هفت هزار مرید بر سپاه شروانشاه که شامل ۲۰ هزار سوار و هفت هزار پیاده بود، پیروز شد و شروانشاه را از بین برد (خواندمیر، ۱۳۵۳، ۴۵۹-۴۵۶). برتری نیروی قزلباش، در داشتن ایمان بسیار قوی به شیخ خود بود تا جایی که در راه او مرگ را با آغوش باز استقبال می‌کردند (سومر، ۱۳۷۱: ۲۸).

شیخ اسماعیل پس‌ازاین پیروزی به شماخی رفت. در آنجا متوجه شد که پسر فرخ‌یسار از میدان جنگ گریخته و گروهی را برای نبرد با او گردآورده است، لذا یکی از اهل اختصاص را برای سرکوبی او فرستاد که با پیروزی همراه بود. شیخ اسماعیل پس‌ازاین وقایع به بعضی تحرکات نظامی نظیر فتح قلعه باکو و محاصره قلعه گلستان اقدام کرد ولی وقتی خبردار شد که الوندبیک آق‌قویونلو، حاکم تبریز، با لشکریانی فراوان در نخجوان مستقر شده، محاصره قلعه گلستان را رها کرد و به‌سوی نخجوان حرکت و پیش از رسیدن بدانجا، گروهی را مأمور نابودی پیش‌قراولان سپاه الوندبیک کرد. الوندبیک نیز پس از شکست پیش‌قراولان سپاه خود، از نخجوان به شرور آمد و در آن ناحیه به آرایش نظامی اقدام کرد. شیخ اسماعیل نیز با مریدان خویش در برابر او صف‌آرایی کرد و در بهار سال ۹۰۷/۱۵۰۲ پس از غلبه بر سلطان الوند آق‌قویونلو و سپاه ۳۰ هزار نفری‌اش در جنگ شرور بر آذربایجان دست‌یافت (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۴۴۶) و چند روز بعد، پس از جلوس بر تخت سلطنت در تبریز، فرمان داد تا خطبه به نام ائمه معصومین (ع) خوانده شود و تشیع اثنی‌عشری را مذهب رسمی کشور اعلام کرد (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۴۶۷) و حکومت صفوی را رسماً بنیان نهاد (سومر، ۱۳۷۱: ۳۰).

شاه اسماعیل پس از فراز و نشیب‌های فراوان و اقدامات گوناگونی که در دوران سلطنت ظاهری خویش انجام داد - که موضوع پژوهش حاضر نیستند- در سال ۹۳۰ ه.ق در سن سی‌وهشت سالگی بدرود حیات گفت، درحالی‌که موفق شده بود در مقام مرشد کامل طریقت صفوی و بر اساس تصوف و باورهای مبتنی بر آن، خصوصاً روابط مرید و مرادی، نخستین دولت مرکزی قدرتمند دیرپای ایران پس از اسلام را پایه‌گذاری کند. تأکید بر نقش و جایگاه تصوف و آموزه‌های آن در تشکیل حکومت صفوی و بسیج منابع در این فرایند، اهمیت فراوانی در پژوهش حاضر دارد. توضیح آنکه در بخش مبانی نظری به شکلی مختصر به واقعیات تاریخی تحولات سیاسی دوران ایران پس‌اسلام و پیشاصفوی اشاره شد که در آن و خصوصاً از روزگار سلجوقیان به بعد،

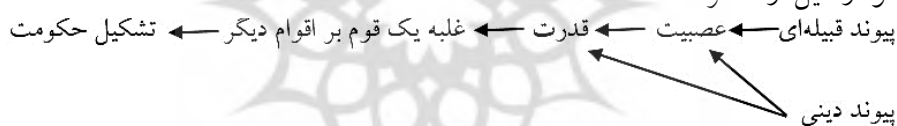


تقریباً همه سلسله‌هایی که به قدرت رسیده‌اند و حکومت تشکیل داده‌اند، خاستگاه قبایلی داشته‌اند و اکثر حکومت‌ها معمولاً با تکیه بر عصبيت قبیله‌ای قوم خود و اقوام متحدشان و بدون هرگونه ادعای فرهنگی یا دینی قدرت را در اختیار می‌گرفتند. در مورد تشکیل حکومت صفوی اما، بر اساس آنچه در این بخش گفته شد، می‌توان مشاهده کرد شیخ اسماعیل که دارای ریشه‌های قبایلی و ایلداری نبود و اجدادش از مدت‌ها قبل یکجانشین و شهرنشین شده بودند، رابطه‌اش با قبایل ترک‌زبان شبانکاره قزلباش نه بر مبنای پیوندهای خونی و خویشاوندی، بلکه بر مبنای پیوندهای مبتنی بر تصوف و باورهای صوفیانه بوده است. به بیان دیگر، خود صفویه اساساً خاستگاه قبایلی نداشته‌اند (سیوری، ۱۳۹۶: ۴-۲؛ رجب‌زاده، ۱۳۷۸: ۵۸) و در نتیجه یکی از قبایل نقش‌آفرین در فرایند تشکیل حکومت نبوده‌اند. در واقع، شاه اسماعیل صفوی ولی‌مرشد و مراد قبایل مزبور بوده است و افراد این قبایل نیز پیرو و مرید او و طریقت صفوی بوده‌اند، لذا آشکار است در عین اینکه پیوند درونی هر قبیله را می‌توان مبتنی بر عصبيت قبیله‌ای دانست ولی پیوند میان چند قبیله با یکدیگر و پیوند میان همه این قبایل با شاه اسماعیل و ارادت و جانبازی آن‌ها در راه اهداف او بر اساس عصبيت دینی و پیوندهای صوفیانه بوده است. بنابراین در فرایند تشکیل حکومت صفوی و بسیج منابع توسط شاه اسماعیل در تشکیل این حکومت، عصبيت‌های قبیله‌ای و دینی در هم‌نشینی با هم دارای نقش و تأثیر بوده‌اند. بر همین اساس در بخش بعدی تلاش می‌شود تا با بهره‌گیری از آراء ابن‌خلدون، الگوی بسیج منابع توسط شاه اسماعیل در فرایند تشکیل حکومت صفوی ترسیم و ارائه شود.

### بحث و نتیجه‌گیری

در تحلیل مرتبط با واقعیات تاریخی پیش از تشکیل حکومت صفوی مشخص شد که می‌توان قدرت حاصل از عصبيت قبیله‌ای هر یک از قبایل تحت امر مرشد کامل صفوی در هم‌نشینی با قدرت حاصل از عصبيت دینی و پیوندهای صوفیانه میان هر یک از این قبایل و نیز میان قبایل مختلف با یکدیگر را در تشکیل حکومت مزبور دارای نقش و جایگاه دانست. در واقع، هم‌نشینی این دو نوع متفاوت عصبيت در این دوران تاریخی، به شاه اسماعیل امکان بسیج گسترده منابع برای جنگ با مدعیان قدرت و پیروزی بر

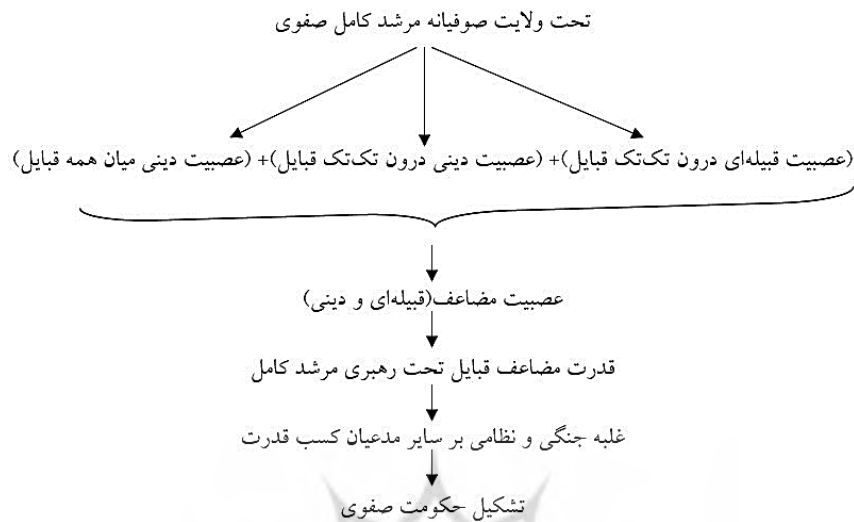
آن‌ها و تشکیل حکومت صفوی - به‌مثابه شکل‌گیری وضعیتی جدید<sup>۱</sup> - را داده است. بر همین اساس و در مقام پاسخگویی به قسمت اول پرسش اصلی پژوهش، عامل و باور اساسی و تأثیرگذار موجود در تصوف که شاه اسماعیل صفوی بر اساس آن موفق به انجام فرایند مزبور شده و توانسته مریدان خود را در مسیر کسب قدرت سیاسی متحد و بسیج کرده و به خدمت بگیرد، همانا ولایت صوفیانه مرشد بر مریدان است که روی دیگر ارادت مریدان به مرشد در بستر طریقت می‌باشد. بدین ترتیب، بهره‌گیری از آموزه ولایت صوفیانه به شیخ اسماعیل - مرشد کامل وقت طریقت صفوی - اجازه و امکان داده تا مریدان جانباز خویش را بر علیه سایر مدعیان کسب قدرت و تشکیل حکومت بسیج کند و با تکیه بر قدرت شمشیر و قدرت ایمان آن‌ها بر دشمنان خویش پیروز و موفق به تشکیل حکومت مرکزی قدرتمند دیرپای صفوی شود. اما در مقام پاسخگویی به بخش دوم پرسش اصلی پژوهش و در مورد اینکه این مهم، طی چه فرایندی صورت پذیرفته، می‌بایست از دستگاه نظری ابن‌خلدون یاری گرفت. بر اساس آنچه در مبانی نظری گفته شد، آراء سیاسی ابن‌خلدون درباره تشکیل حکومت‌ها را می‌توان در قالب نمودار ذیل ارائه کرد:



بر این اساس و بنا بر یافته‌های پژوهش حاضر، آنچه در بسیج مریدان توسط شیخ اسماعیل برای جنگ با مدعیان قدرت، پیروزی بر آنان و نهایتاً، تشکیل حکومت صفوی شاهد آن هستیم، نوعی تغییر یافته از الگوی فوق است که در قالب شکل ذیل قابل ارائه است:

<sup>1</sup>. emergent property

## الگوی بسیج منابع در جنگ‌های منجر به تشکیل حکومت صفوی | ۴۱



تفاوت الگوی فوق با مدل ابن خلدون در این است که در تشکیل حکومت صفوی شاهد تقدم باورها و پیوندهای دینی و صوفیانه بر پیوندهای قومی هستیم، درحالی که در نظر ابن خلدون، دین و نیروی حاصل از آن متأخر از نیروی عصبيت قومی است و بدان افزوده می شود. همچنین، اتحاد و الحاق قبایل تحت امر شاه اسماعیل نیز پیش از تشکیل حکومت صفوی صورت گرفته که برخلاف آراء ابن خلدون می باشد که معتقد است قوم پیروز سایر اقوام را به خود ملحق می کند. در هر حال، فرایندی که در بسیج منابع، نبرد با مدعیان قدرت، پیروزی بر آنها و تشکیل حکومت صفوی دیده می شود این است که چندین قبیله بزرگ و کوچک که هر یک دارای عصبيت قبیله‌ای درونی بوده اند، همگی بر اساس ارادت به یک ولی مرشد و طریقت او، هم نوع دیگری از پیوند درونی بر اساس عصبيت دینی و صوفیانه در میان شان ایجاد شده و هم بر این اساس با یکدیگر و به شکلی میان قبیله‌ای یک کل منسجم و متحد را تشکیل داده اند؛ وضعیتی که موجب تجميع عصبيت‌های این قبایل شده که می توان آن را عصبيت مضاعف - محصول هم نشینی عصبيت و پیوند قومی و عصبيت و پیوند دینی - نام نهاد. این عصبيت مضاعف، به شکل گیری یک قدرت مضاعف انجامیده که در اختیار مرشد کامل طریقت صفوی قرار گرفته است. یعنی قدرت مضاعف خداوندان عصبيت در خدمت اهداف خداوندان طریقت قرار گرفته و در کنار سایر عوامل محتمل مؤثر، به مرشد کامل صفوی امکان داده تا در بسیج منابع، قیام مسلحانه، غلبه جنگی بر سایر

مدعیان قدرت، کسب قدرت و تشکیل حکومت مرکزی مقتدر دیرپای صفوی توفیق یابد.

### فهرست منابع و مآخذ:

#### ≠ منابع فارسی

- آقاجری، هاشم (۱۳۸۰)، *کنش دین و دولت در ایران عهد صفوی*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- آقاجری، هاشم (۱۳۹۵)، *مقدمه‌ای بر مناسبات دین و دولت در ایران عصر صفوی*، تهران: طرح نقد.
- آملی، سید حیدر (۱۳۹۵)، *جامع‌الاسرار و منبع‌الانوار*، ترجمه محمدرضا جوزی، تهران: هرمس، چاپ دوم.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۹۳)، *مقدمه ابن خلدون، ج اول*، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ چهاردهم.
- احمدی، یعقوب (۱۳۸۹)، «تحلیل جامعه‌شناختی اندیشه‌های سیاسی ابن خلدون»، *معرفت*، سال نوزدهم، شماره ۱۵۷، صص ۹۲-۸۳.
- اشراقی، احسان و ناصر جدیدی (۱۳۸۵)، «تصوف ایرانی قرن هفتم تا دهم هجری، بستری برای تکوین نهضت صفویان»، *فصلنامه علمی - پژوهشی مسکویه*، پیش شماره ۲، صص ۵۲-۳۵.
- امیرخسروی، بابک (۱۳۹۷)، *دولت در ایران؛ نقدی بر نظریه شیوه تولید آسیایی مارکس*، تهران: اختران، چاپ دوم.
- بوتول، گاستون (۱۳۹۶)، *جامعه‌شناسی جنگ*، ترجمه هوشنگ فرخجسته، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ نهم.
- پازوکی، شهرام (۱۳۹۳)، *عرفان و هنر در دوره مدرن*، تهران: علم.
- پیگولوسکایا، نینا ویکتورونا و دیگران (۱۳۵۴)، *تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام.
- پولادی، کمال (۱۳۹۸)، *تاریخ اندیشه سیاسی در ایران و اسلام*، تهران: مرکز، چاپ هفتم.
- تابنده، نورعلی (مجدوبعلیشاه) (۱۳۸۳)، *آشنایی با عرفان و تصوف*، تهران: حقیقت، چاپ سوم.

- تابنده، نورعلی (مجذوبعلیشاه)(۱۳۹۰)، *مکاتیب عرفانی؛ مجموعه پاسخ به نامه‌ها از اسفند ۱۳۷۵ الی خرداد ۱۳۸۷*، تهران: حسینیه امیرسلیمانی.
- تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۸۵)، «ضرورت جامعه‌شناختی تبارشناسی در طریقه‌های عرفانی اسلامی ایران»، *مجموعه مقالات همایش عرفان، اسلام، ایران و انسان معاصر: نکوداشت شیخ شهاب‌الدین سهروردی*، به اهتمام شهرام پازوکی، تهران: حقیقت، صص ۴۹۱-۴۷۵.
- تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۹۶)، *جامعه‌شناسی تاریخی نظریه‌های متفکرین مسلمان*، تهران: بهمن‌برنا، چاپ سوم.
- تیلی، چارلز (۱۳۹۲)، *از بسیج تا انقلاب*، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، چاپ سوم.
- جنادله، علی (۱۳۹۶)، «روابط نهادی دولت و جامعه در ایران پیشانوسازی (نقد نظریه شکاف تاریخی دولت و ملت در ایران و ارائه یک دیدگاه بدیل)»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، سال ۲۶، شماره ۷۶، صص ۷۴-۲۷.
- چیتیک، ویلیام (۱۳۸۹)، *درآمدی بر تصوف و عرفان اسلامی*، ترجمه جلیل پروین، تهران: حکمت.
- حسینی استرآبادی، سید حسین بن مرتضی (۱۳۶۶)، *تاریخ سلطانی از شیخ صفی تا شاه صفی*، به کوشش دکتر احسان اشراقی، تهران: انتشارات علمی، چاپ دوم.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین‌الحسینی (۱۳۵۳)، *حیب‌السیر فی اخبار افراد بشر*، ج ۴، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران: کتابفروشی خیام، چاپ دوم.
- رجب‌زاده، احمد (۱۳۷۸)، *جامعه‌شناسی توسعه: بررسی تطبیقی-تاریخی ایران و ژاپن*، تهران: سلمان.
- روملو، حسن‌بیگ (۱۳۴۹)، *احسن‌التواریخ*، ج ۱۱، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۸)، *پله پله تا ملاقات خدا*، تهران: علمی، چاپ بیست‌ونهم.
- ساعی، علی (۱۳۸۶)، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: سمت.
- سجادی، سیدجعفر (۱۳۷۸)، *فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی*، تهران: طهوری، چاپ چهارم.

- سومر، فاروق (۱۳۷۱)، *نقش ترکان آناتولی در تشکیل و توسعه دولت صفوی*، ترجمه اشراقی و امامی، تهران: گستره.
- سیوری، راجر (۱۳۹۴)، *در باب صفویان*، ترجمه رمضان‌علی روح‌الهی، تهران: مرکز، چاپ دوم.
- سیوری، راجر (۱۳۹۶)، *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: مرکز، چاپ بیست‌وهفتم.
- شیبی، کامل مصطفی (۱۳۹۶)، *تشیع و تصوف*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر، چاپ هفتم.
- صفت‌گل، منصور (۱۳۸۹)، *ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی*، تهران: رسا، چاپ دوم.
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۸)، *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه‌عباس*، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ پنجم.
- طباطبایی، سیدجواد (۱۳۸۱)، *دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران*، تهران: نگاه معاصر، چاپ دوم.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۶۹)، *زندگانی شاه عباس اول*، ج ۱، تهران: علمی، چاپ چهارم.
- قادری، حاتم (۱۳۸۵)، *اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران*، تهران: سمت.
- قمی، قاضی احمد (۱۳۶۳)، *خلاصه‌التواریخ*، به تصحیح دکتر احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران: چاپ دوم.
- کدی، نیکی. آر (۱۳۹۰)، *ریشه‌های انقلاب ایران*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: علم، چاپ دوم.
- گنابادی، حاج سلطان محمد (سلطانعلیشاه) (۱۳۸۴)، *ولایت‌نامه*، تهران: حقیقت، چاپ دوم.
- لویزن، لئونارد (۱۳۹۶)، *فراسوی ایمان و کفر؛ شیخ محمود شبستری*، ترجمه مجدالدین کیوانی، تهران: مرکز، چاپ پنجم.
- مزاوی، میشل م. (۱۳۸۸)، *پیدایش دولت صفوی*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره، چاپ دوم.
- مشفق‌فر، ابراهیم (۱۳۹۸)، *نظامیان و سیاست در ایران عصر صفوی (۱۱۳۵-۹۰۷ ه.ق.)*، تهران: مورخان.

## الگوی بسیج منابع در جنگ‌های منجر به تشکیل حکومت صفوی | ۴۵

- **عالم‌آرای صفوی (۱۳۵۰)**، مولف ناشناس، به کوشش یدالله شکری، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- **جهانگشای خاقان (۱۳۶۴)**، مولف ناشناس، عکسبرداری از نسخه خطی، مقدمه و پیوست‌ها از الله دتا مضطر، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۷۰)، «ایران در قرن ۱۵ میلادی»، **یادنامه میرزا جعفر سلطان‌القرایی**، تبریز: دانشگاه تبریز، صص ۱۷۵-۱۵۷.
- نصر، سیدحسین (۱۳۸۶)، **سه حکیم مسلمان**، ترجمه احمد آرام، تهران: امیرکبیر، چاپ ششم.
- نوایی، عبدالحسین و عباسقلی غفاری فرد (۱۳۹۴)، **تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه**، تهران: سمت، چاپ دهم.
- نویدی شیرازی، عبدی‌بیک (۱۳۶۹)، **تکمله‌ال‌اخبار: تاریخ صفویه از آغاز تا ۹۷۸ هجری قمری**، با مقدمه، تصحیح و تعلیقات عبدالحسین نوایی، تهران: نی.
- نیازمند، رضا (۱۳۸۳)، **شیعه در تاریخ ایران**، تهران: حکایت قلم نوین.
- هجویری، ابوالحسن (۱۳۶۶)، **کشف‌المحجوب**، تصحیح ژوکوفسکی، به کوشش محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.
- هیتس، والتر (۱۳۶۲)، **تشکیل دولت ملی در ایران**، ترجمه کیکاووس جهاناداری، تهران: خوارزمی، چاپ سوم.
- ≠ **منابع عربی**
- اسپیناچی پاشازاده، محمد عارف (۱۳۰۷ق)، **انقلاب‌الاسلام بین‌الخاص والعام**، ۲ جلدی، تهران: نسخه خطی کتابخانه ملی تهران، شماره ۱۶۳۴.
- بروکلمان، کارل (۲۰۰۷)، **تاریخ‌الشعوب الاسلامیه**، بیروت: دارالعلم للملایین.
- قشیری، ابوالقاسم (۱۹۴۰)، **رساله قشیریہ**، قاهره.
- ≠ **منابع انگلیسی**
- 0 Green, Nile (2002), *Sufism: A Global History*, Oxford: John Wiley and Sons.

**THE HISTORICAL STUDY OF WAR**  
Scientific Journal, Scientific Research Article  
Vol. 4, Issue 4, No.14, Winter 2021

## **Pattern of Mobilization of Resources in the Wars Leading to the Establishment of the Safavid Government**

**Abolfazl Fathabadi**;\* **Hasan Saraei**\*\* **Shahram Pazouki**\*\*\*  
**Ali Janadleh**\*\*\*\*

### **Abstract**

In the process of establishing the Safavid government, a Sufi and spiritual *tariqa*, relying on the power of its followers, played a political and worldly role. The main question of this study is that on what basis and during what process Shah Ismail—as the perfect *Sheikh* of the Safavid *tariqa*—was able to mobilize his followers in several tribes to fight against other claimants of power, to overcome them, and to move toward establishing the government? Applying political theories of Ibn Khaldun about the development of governments, the present descriptive-analytical study thus seeks to answer this question. The findings show that Shah Ismail, using Sufi *walayah*, provided the means for the affinity of tribal and religious bonds within each tribe, and religious bonds between all tribes. He was accordingly able to create unity and solidarity among various tribes which were under his command, and to mobilize resources to fight against other claimants of power and finally, by using the aggregated power of these tribes which was the outcome of affinity of the ethnic and religious ties, he managed to defeat his enemies and succeed in establishing the long-lasting, powerful, and central government of Safavids.

**Keywords:** Shah Ismail Safavid, Sufi *walayah*, mobilization of resources, war, establishment of government.

---

\* PhD Student of Political Sociology, Allameh Tabataba'i University; Email: Abolfazl.Fathabadi@yahoo.com

\*\* Corresponding Author: Professor of Sociology, Allameh Tabataba'i University; Email: Hsaraie@yahoo.com

\*\*\*Professor, Iranian Research Institute of Philosophy; Email: shpazouki@hotmail.com

\*\*\*\*Assistant Professor of Sociology, Allameh Tabataba'i University; Email: Ajanadleh@atu.ac.ir

| Received: December 6, 2020; Accepted: February 7, 2021 |